

## رمضان در سیره امام خمینی (ره).....

به اهتمام حسین شیدائیان

ماه رمضان شد، و میخانه برافتاد عشق و طرب و باده به وقت سحر افتاد  
 افطار به «می» کرد برم پیر خرابات گفتم که تو را روزه به برگ و ثمر افتاد  
 با باده وضو گیر که در مذهب رندان در حضرت حق این عملت بارور افتاد<sup>۱</sup>

امام خمینی شخصیت ممتاز و متضلع و درخشان‌ترین ستاره آسمان علم و عمل و فقهت و عرفان است. در اندیشه ایشان، ماه مبارک رمضان، بهترین ریاضت شرعی سالکان کوی دوست برای رهایی از حجاب‌های ظلمانی و نورانی و موتور محرکه سیر صعودی انسان شدن و صراط مستقیم وصول به گنجینه عزت و عظمت الهی است.

امام، ماه شعبان را مقدمه ورود به ضیافت الهی می‌داند و انس با مناجات شعبانیه را ادب ورود به این ضیافت و رسیدن به معدن عظمت الهی معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

در نگاه معنوی و عرفانی امام رمضان، «ماه نبوت»<sup>۳</sup> ماه «صعق» و «وصول پیامبر و تجلی الهی بر پیغمبر اکرم»<sup>۴</sup> و «ماه نزول جبرئیل امین توسط پیامبر اکرم در دنیا»<sup>۵</sup> است.

بنابراین در این ماه باید به «اصلاح و تهذیب نفس»<sup>۶</sup> پرداخت و از امیال و خواسته‌های «طبیعی، جسمانی، نفسانی، خیالی و عقلانی»<sup>۷</sup> چشم پوشید تا لیاقت مراحل و مراتب ضیافت الهی شامل حال انسان شود.

قدر مسلم عمل به آداب ضیافت‌الله و معرفت عمیق امام نسبت به این ضیافت در شکل‌گیری شخصیت و نفوذ معنوی و موفقیت رهبری پیامبر گونه ایشان بسیار موثر بوده. اکنون گوشه‌هایی از مشاهدات همراهان و نزدیکان امام از سیره ایشان در ماه مبارک رمضان را به عنوان الگوگیری از رفتار ایشان جهت درک بهتر و بیشتر ضیافت‌الله مرور می‌کنیم.

## ۱ - دوران طلبگی

در شب‌های ماه رمضان با دوستان و هم‌مباحثه‌های خود جلسات دعا و عبادت داشتند، در این جلسات ابتدا قرآن تلاوت و سپس کلمات و بیانات ائمه معصومین را از متن کتاب «عقیقات الانوار» خوانده می‌شد، این جلسات معنوی تا نزدیک سحر ادامه می‌یافت.<sup>۸</sup>

## ۲ - دوران تدریس

همه ساله امام قبل از تعطیلات دروس حوزه به مناسبت حلول ماه رمضان و هجرت طلبان به روستا و شهرها برای تبلیغ دین، جلسه درس را به موعظه، نصیحت و توجه به آداب سیر و سلوک در ماه رمضان اختصاص می‌داد و در یکی از جلسات خود فرمود:

به آداب اولیه روزه عمل نمایید و همان‌طور که شکم را از خوردن و آشامیدن نگه می‌دارید، چشم و گوش و زبان را هم از معاصی باز دارید، از هم اکنون بنا بگذارید که زبان را از غیبت، تهمت و بدگویی و دروغ نگه داشته، کینه، حسد و دیگر صفات زشت شیطانی را از دل بیرون کنید. اگر توانستید، «انقطاع الی الله» حاصل نمایید؛ اعمال خود را خالص و بی‌ریا انجام دهید، از شیاطین انس و جن منقطع شدید.<sup>۹</sup>

یک روز در نجف قبل از تعطیلات ماه رمضان همانند گذشته سخنان اخلاقی درباره تهذیب و تزکیه نفس بیان می‌کرد، بیانات شور آفرین و شوق آور و انسان ساز امام به گونه‌ای بود که جمعیت را دگرگون ساخت و صدای گریه فضای مسجد شیخ انصاری را فرا گرفت.<sup>۱۰</sup> تابستان سال ۱۳۲۱ که مصادف با ماه مبارک رمضان بود، به شهرستان محلات مسافرت کرد و روزها به تحریر مباحث علمی و فقهی می‌پرداخت از سوی برخی علما امامت جماعت مسجد جامع شهر به ایشان پیشنهاد شد، اما ایشان در یک مسجد دور افتاده و متروک که امام جماعت نداشت به اقامه نماز جماعت پرداخت تا سنت احیای مساجد را یادآور شد. به

پیشنهاد و اصرار بزرگان و علمای محلات، هر روز عصر، سه ساعت قبل از افطار در مسجد جامع شهر کنار یک ستون می‌نشستند و برای مردم درس اخلاق بیان می‌کردند.<sup>۱۱</sup>

### ۳ - فرزندان

امام به تربیت فرزندان و حتی نوادگان و تقید آن‌ها نسبت به رعایت آداب شرع و تکالیف دینی توجه خاصی داشتند. امام، آنان را قبل از سن بلوغ، برای تشریف به سن عبادت و نماز و روزه آماده می‌کردند، اما هیچ‌گاه سخت‌گیری نمی‌کردند تا دچار مشقت نشوند و سعی داشتند که ذائقه فرزندان را در اجرای تکلیف دینی و امور شرعی تلخ نکنند.

شبی زمستانی حاج آقا مصطفی را برای سحری بیدار کردند. ایشان بر اثر استنشاق گاز ذغال کرسی ناگهان وسط اتاق بر زمین افتاد و بی‌هوش شد! امام خیلی نگران شد و وقتی او را به هوش آوردند، به ایشان فرمود به صلاح شما نیست که فردا روزه بگیرید، پس از ماه رمضان قضای آن را به جای آورید.<sup>۱۲</sup>

ماه رمضان یکی از سال‌ها که مصادف با تابستان گرم قم بود، یکی از دختران امام به سن تکلیف رسیده بود. امام به او فرمود که امسال را باید روزه بگیرید، به علت گرمی هوا و نبودن امکانات خنک‌کننده، فرزند امام روزه اول را با سختی و مشقت بسیار به پایان رساند. امام همان شب برنامه مسافرت خانم و فرزندان را فراهم ساخت تا به تهران بیاید و قرار شد فرزندان قصد اقامت نکنند تا در زمستان قضای روزه‌ها را به جای آورند و بدین‌گونه حرمت ماه رمضان هم در خانواده امام محفوظ بماند.<sup>۱۳</sup>

### ۴ - انس با قرآن

امام دائماً با قرآن مأنوس بودند و مطالعه اصلی شان تلاوت قرآن بود و شبانه روز هفت نوبت قرآن تلاوت می‌کردند و این سنت حسنه تا آخر حیات طیبه شان استمرار داشت و در ماه مبارک رمضان خصوصاً در ایامی که نجف بودند هر روزه ده جزء قرآن تلاوت می‌کردند و در هر سه روز یک دوره قرآن ختم می‌کردند و در اواخر عمر شریفشان در ماه مبارک رمضان سه بار قرآن را ختم می‌کردند. چند روز قبل از ماه رمضان دستور می‌دادند که چند ختم قرآن برای افرادی که مورد نظرشان است قرائت شود.<sup>۱۴</sup> در ایامی که نجف بودند

چشمشان ناراحت بود، پزشک پس از معاینه به ایشان گفت شما چند روز استراحت داشته باشید و قرآن نخوانید، امام با لبخندی خطاب به دکتر فرمودند: من چشمم را برای قرآن خواندن می‌خواهم. چه فایده‌ای دارد اگر چشم داشته باشم و قرآن نخوانم.<sup>۱۵</sup>

## ۵ - رعایت نوافل و مستحبات

در هوای گرم پنجاه درجه بالای صفر نجف و روزهای بلند تابستان که مردم تقریباً حدود هفده الی هیجده ساعت روزه بودند امام نماز جماعت ظهر و عصر را در مدرسه آیت الله بروجردی همراه با نوافل و تعقیبات ظهر و عصر به جای می‌آوردند که برای جوانان هم سخت بود. نماز مغرب و عشا را هم با نوافل آن انجام می‌داد. سپس با یک عدد تخم مرغ و دو استکان چای یا بعضی روزها با نیمی از کتلت و مقداری نان افطار می‌کرد.<sup>۱۶</sup> در سال‌های آخر عمر شریفش به دلیل بیماری و کهولت سن و مصرف دارو برنامه روزه ایشان تغییر یافت اما نوافل و مستحبات و تعقیبات را بیشتر ادامه می‌دادند.

## ۶ - پرهیز از مکروهات

امام به موازات دقت و تأکید بر انجام نوافل و مستحبات از مکروهات هم شدیداً پرهیز داشت به عنوان مثال در شب‌های جمعه اگر ضمن سخنانش به مناسبتی یک مصرع شعر می‌خواست بخواند به جهت این که شعر خوانی در شب جمعه مکروه است، از خواندن شعر صرف نظر می‌کرد. در ماه رمضان شعر نمی‌خواند، نمی‌سرود و گوش نمی‌کرد. خانم حاج احمدآقا با اصرار و خواهش، دفتری را خدمت امام تقدیم می‌کند تا در آن شعر بنگارد. بعد از مدتی به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان امام به ایشان گفت بیا دفتر و بساطت را جمع کن و برو؛ دیگر ماه رمضان است، من نه شعر می‌گویم و نه شعر می‌خوانم چون شعر خواندن در ماه رمضان مکروه است.<sup>۱۷</sup>

## ۷ - عبادت، تهجد و مناجات

اولیای الهی همواره از عبادت و انابه به درگاه خداوند لذت می‌برند، چون در فرهنگ عرفان شیعی و اسلامی، عبادت همانا آشکار شدن عشق واقعی در برابر معشوق حقیقی، و ماه

رمضان تجلی عشق الهی و اوج بندگی و انقطاع الی الله است و شوق عارفان از استقبال ماه رمضان و اندوهشان از پایان آن گویای رمز این نکته است.

از همین رو امام هم که رهرو خستگی ناپذیر وادی عشق و فنای فی الله بود، در طول زندگی خصوصاً چند دهه آخر عمر مبارکشان کلیه برنامه‌های درسی، علمی، تحقیقی و ملاقات‌های عمومی و خصوصی‌شان را تعطیل می‌کردند و در برابر تقاضاهای ادامه برنامه‌ها و یا در پاسخ به علت تعطیلی آن‌ها با یادآوری اعمال و عبادات ماه رمضان می‌فرمود: خود ماه رمضان هم کاری است.<sup>۱۸</sup>

تابستان یکی از سال‌ها (قبل از سال ۱۳۴۱) که مصادف با ماه مبارک رمضان بود و امام به مشهد مسافرت کرده بودند، بارها مشاهده می‌شد که شبها امام در مسجد گوهرشاد میان جمعیت عبای خود را روی زمین می‌انداختند و تا سحر به تلاوت قرآن، نماز، دعا و مناجات می‌پرداختند.<sup>۱۹</sup>

عبادات و اعمال و تهجد شب‌های ماه رمضان امام با سایر ایام و لیالی تفاوت بسیار داشت علاوه بر این که بیشتر شب را به تلاوت قرآن، ادعیه‌های ماه رمضان و خصوصاً به قرائت دعای ابو حمزه ثمالی می‌پرداختند، انابه و تضرع امام به درگاه الهی بیشتر می‌شد. حاج احمد آقا نقل می‌کند که در نجف، ماه رمضان شبی روی پشت بام خوابیده بودم از صدای گریه و مناجات امام بیدار شدم. دیدم امام در تاریکی شب در حال نماز خواندن دست‌ها را به طرف آسمان بلند کرده و گریه می‌کند. در ماه رمضان سال‌های آخر عمر شریفشان نیز پرستاران و مراقبان امام از صدای گریه نیمه شب امام از خواب بیدار می‌شدند.<sup>۲۰</sup>

یکی از محافظان امام می‌گوید در یکی از شب‌های ماه رمضان نیمه شب برای انجام کاری مجبور شدم از کنار اتاق امام عبور کنم. هنگام عبور صدای مناجات و گریه امام را شنیدم که در فضای اتاق پیچیده بود و مرا شدیداً تحت تأثیر قرار داد.<sup>۲۱</sup>

خانم حاج احمد آقا نقل می‌کند که ماه رمضان قبل از رحلت ملکوتیشان هنگامی که سحرگاهان برای افتدای نماز صبح خدمتشان می‌رسیدم، چهره مبارکشان را برافروخته می‌دیدم، چشمانشان سرخ بود، چنان اشک ریخته بودند که دستمال برایشان کافی نبود، حوله کنار دستشان می‌گذاشتند.<sup>۲۲</sup>

مقام معظم رهبری معتقدند که سیر و سلوک معنوی و عرفانی و انقطاع الی الله امام در ماه مبارک رمضان هر سال در تکامل شخصیت عرفانی و نفوذ معنوی رهبری ایشان

محسوس بود و این اوج ملکوتی و عرفانی امام که دستاورد تهجد و مناجات شبانه ماه رمضان‌ها بود در موفقیت‌های گوناگون انقلاب تأثیر داشت:

«شما خیال نکنید که امام سال ۶۸ که به جوار الهی رفت، همان امام سال ۵۷ بود که وارد ایران شد. نخیر، امام خیلی جلو رفته بود، خیلی پیشرفت کرده بود، خیلی بالا رفته بود. درست است که، منازل امثال آن بزرگوار را نمی‌توانیم بفهمیم. اما از همین پایین که انسان نگاه می‌کند اوج آن باز بلند پرواز را می‌بیند. خدا شاهد است که بعد از هر ماه رمضان، گاهی که خدمت امام می‌رسیدم برایم محسوس بود که در این ماه رمضان، امام نسبت به گذشته بالاتر رفته، پرواز کرده و از [جهان] ماده دورتر شده است.<sup>۲۳</sup>»

«در هر ماه رمضان ایشان معمولاً هیچ ملاقاتی نداشتند و بیشتر به خودشان می‌پرداخت بعد از ماه رمضان که انسان با ایشان ملاقات می‌کرد محسوس بود که نورانی‌تر و معنوی‌تر شده‌اند. یقیناً بسیاری از موفقیت‌های انقلاب و این ملت، ناشی از همان کانون جوشان منور بود.<sup>۲۴</sup>»

### پی‌نوشتها:

۱. دیوان امام، ص ۳۰۰.
۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۱.
۳. همان، ج ۲۰، ص ۲۴۸.
۴. همان، ج ۱۹، ص ۲۸۵ و ج ۲۰، ص ۲۴۹.
۵. همان، ج ۲۰، ص ۳۴۹.
۶. همان، ج ۱۵، ص ۳۱ و ج ۱۸، ص ۴۷۶.
۷. همان، ج ۲۰، ص ۲۶۶ و ۲۶۷.
۸. پایه پای آفتاب، ج ۳، ص ۳۰۹ (خاطرات آیت‌ا... بهاء‌الدینی)، و ج ۵، ص ۱۸۴ (خاطرات آیت‌ا... سید محمدصادق لوائسی).
۹. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ص ۶۲.
۱۰. پایه پای آفتاب، ج ۳، ص ۲۵۴ (خاطرات آقای رحیمیان).
۱۱. پایه پای آفتاب، ج ۲، ص ۸۴ (خاطرات آقای توسلی محلاتی) و ج ۴، ص ۲۲۹ (خاطرات آقای سروش محلاتی) و ج ۶، ص ۷ (خاطرات شهید محلاتی) و سلسله موی دوست، ص ۱۰۷ (خاطرات آقای رسولی محلاتی).
۱۲. پایه پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۵۸ (خاطرات فریده مصطفوی).

۱۳. همان، ج ۵، ص ۲۰۳، برداشت‌هایی از سیره امام، ج ۲، ص ۳۷۹، فرازهای فروزان، ص ۲۶۰ (به نقل از صبیبه حضرت امام).
۱۴. پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۵۱ (خاطرات آقای ناصری) و ج ۲، ص ۱۰۳ (خاطرات آقای توسلی) و برداشت‌هایی از سیره امام، ج ۳، ص ۱۰ (خاطرات آقای رحیمیان) و همان، ص ۱۳۹ (خاطرات آقای میریان).
۱۵. یک ساغر از مزار، ص ۵۴۲ (خاطرات خانم طباطبایی).
۱۶. پا به پای آفتاب، ج ۵، ص ۱۵۱ (خاطرات آقای قدیری)، ج ۲، ص ۳۲۹ (خاطرات آقای حمید روحانی)، ج ۳، ص ۱۲۷ (خاطرات آقای مسعودی خمینی) و ج ۱، ص ۱۲۵ (خاطرات صدیقه مصطفوی).
۱۷. پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۶۵ (خاطرات فریده مصطفوی) و ج ۲، ص ۲۹ (خاطرات آقای آشتیانی) و یک ساغر از هزار، ص ۵۴۱ (خاطرات فاطمه طباطبایی).
۱۸. پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۱۰۴ (خاطرات آقای توسلی).
۱۹. همان، ج ۶، ص ۱۰۳ (خاطرات آقای واعظزاده خراسانی).
۲۰. همان، ج ۳، ص ۱۵۱ (خاطرات آقای ناصری) و ص ۱۳۹ (خاطرات آقای میریان).
۲۱. جلوه‌ای از خورشید، ص ۹۰.
۲۲. پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۲۸۵ و ۲۶۱ (خاطرات خانم فاطمه طباطبایی).
۲۳. حدیث ولایت، ج ۶، ص ۲۴۹.
۲۴. همان، ج ۲، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی